روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۰ • ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ • ۴ آگوست ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۶۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۵
اذان صبح فردا ۴:۴۰ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

به دلیل نداشتن ظرفیت برای دفن متوفی جدید در آرامستان کرمان بخشی از جنگل پردیسان قائم تخریب و به آرامستان تبدیل شده است. عکس: مهلا جنابی، YJC

زمین سبز

ما کجاییم در این بحر تفکر تو کجایی

سعید نبی
فیلم‌ساز مستند

شعارشان این است: اینترنت فسادآور است، اما نمی‌گویند اینترنت بوده که فسادها را علنی کرده است. طرح فراگیر، دربرگیرنده، دارای جذابیت‌های رسانه‌ای با مجاورت بالای «صیانت حقوق کاربران در فضای مجازی» درست در مقطعی کلید خورد که فضای مجازی و اینترنت مدیران و استاندار خوزستان را به خود آورد که در این استان مردم و هور چه مصیبت‌هایی تحمل می‌کنند.

از فروردین ۱۴۰۰ بود که نم‌نمک آب به روی هورالعظیم بسته و حقابه‌اش به واسطه کشت برنج دریافت نشد و بخش وسیعی از تالاب خشک شد. تالابی که در کنار کنترل رطوبت منطقه دارای ارزش بالای اقتصادی معادل سالانه ۷۴۸ میلیون دلار سودآوری خالص است و بدون هیچ هزینه یا سرمایه‌گذاری ۱،۹ درصد تولید ناخالص خوزستان را یدک می‌کشد و ارزش اشتغال‌زایی آن ۱۳۳ میلیون دلار بوده است، تالابی که این روزها احتمالا بانگ ناقوس ریزگردهای نمکی و سمی‌اش به گوش خواهد رسید. چراکه گویا همچنان قرار نیست برنامه‌ای برای معیشت جایگزین همچون گردشگری، صنایع و کشاورزی متناسب با اقلیم خوزستان ارائه شود و با کشت ۱۶ هزار هکتار محصول پرآب‌بر برنج با مصرف ۶۰ تا ۱۲۰ هزار مترمکعبی آب در هر هکتار آن هم برخلاف دستورالعمل‌ها و مصوبات سال ۹۸ و ۹۹، مخالفتی شود.

اما درست در زمانی که مردم خوزستان و برخی استان‌های دیگر مطالبه‌گر شده که مافیای آب و سدسازی به دور از ارزیابی‌های محیط‌زیستی و با امضاهای طلایی با کشور چه کرده، مجلس ایران با بهره‌گیری از دو نظریه رسانه‌ای «برجسته‌سازی» و «چارچوب‌سازی» طرح «صیانت حقوق کاربران در فضای مجازی» مطرح را در صحن علنی هشتادوپنجی کرده تا به یکباره جو و نبض جامعه را با هوشمندی به سمت خود کشیده و مجددا ورود علمی و نظارتی به حل کوتاه، میان و بلند مدت مشکل آب و خاک و معیشت جایگزین در بخش‌های بحرانی خوزستان و سایر استان‌های مشابه به دست فراموشی جمعی سپرده شود.

طرحی با هزاران سؤال پیش‌آمده در سطح جامعه، البته نه آن جمعی که سردار نقدی منافق کامنت‌گذار خطابش می‌کند، بلکه افراد حقیقی بسیاری که با نام و نشان خود سؤال می‌پرسند آیا وقتی در پدیده رانندگی به دلیل بی‌دقتی و عدم رشد فرهنگی، تصادفات، آلودگی هوای سرطان‌زا و حوادث بسیاری اتفاق می‌افتد، جاده را مسدود و راننده و ماشین‌ها را نفی می‌کنند یا قوانینی مدرن و منطبق بر قانون اساسی کشور هدف وضع کرده و سواد راننده، تولیدکننده و سیاست‌گذار را بالا برده تا حوادث و بحران اتفاق نیفتد.

در نظام‌های توسعه‌یافته مبتنی بر جمهوریت، رکن پنجم جمهوری، شبکه‌های مَجازی، اینترنت و

نظام‌های گردش آزاد اطلاعات هستند که در این چرخه همراه با رعایت اصول حقوقی و قوانین منطبق با قانون اساسی هر کشور، مردم از طریق آن به دولت و سایر دستگاه‌های نظارتی و اجرائی خود نظارت کرده و فساد و مشکلات را مطرح می‌کنند و سیاست‌مداران نیز با حل‌وفصل مشکلات مطرح‌شده سبب اعتماد و اطمینان مردم شده و با بالابردن سواد رسانه‌ای، مشارکت‌های مردمی را در حوزه‌های سیاسی بالا می‌برند. در این مسیر است که علم و آگاهی و سایر مؤلفه‌های اساسی توسعه‌ای پایدار و اعتماد عمومی و اجتماعی در نظام‌های حکومتی تقویت شده و روند پویایی و رشد و توسعه پایدار طی شده و نارضایتی‌های عمومی کمتر رقم می‌خورد.

از طرفی مدیران از وحشت بازوی محکم نظارتی اذهان مردم خود را اصلاح کرده و این فرایند رو به رشد سبب می‌شود تا در کنار رفاه ایجادشده، اخبار خوب و امیدبخش در سطح جامعه مخابره شود. به عبارتی محدودیت سبب میزان بالای فساد، نابرابری اجتماعی، فاصله طبقاتی و انتخاب مدیران ناکارآمد و غیرپاسخ‌گو در یک جامعه شده که سبب می‌شود هر چه این شکاف‌ها عمیق‌تر باشند عدالت اجتماعی کمتر شده و اخبار منفی بیشتر مخابره شده و هنجارشکنی پدید آید.

اما چرا این زمان برای مطرح‌کردن طرح صیانت که باید مشارکت و رضایت عمومی را به همراه داشته باشد، انتخاب شده که قطعی آب و برق کشور خصوصا در مناطق گرمسیری و جنوب کشور به همراه تورم لجام‌گسیخته، گسترش فقر و فشار ناشی از گرانی‌ها و تحریم‌ها روی دوش مردم سنگینی می‌کند آن هم مجلسی که برای حل همین موضوعات مستضعفین به روی کار آمده است. باید یادآوری کنیم که برخی کارشناسان معتقدند مسدودکردن، فیلترکردن و کم‌کردن پهنای باند برای کنترل ولنگاری و بی‌قانونی در حوزه شبکه‌های اجتماعی چاره کار نیست و همچون همه جای دنیا باید به سمت وضع قوانین مدرن مرتبط و اصولی رفت تا این فضا مدیریت شود. خودکفایی و رسیدن به تکنولوژی‌های خاص و منحصربه‌فرد هم زمان‌بر بوده و هم نیازمند اعتماد و مشارکت عمومی است و این در صورتی است که معطل‌کردن و ایجاد مانع در چرخه آزاد اطلاعات در سال مانع‌زدایی از تولید آن هم در دهکده جهانی به قصد تولید ابزار می‌تواند سبب خلق نارضایتی‌ها در مشارکت‌های اجتماعی شود چراکه مردمی که از سر بی‌کاری یا با توانمندی به کسب‌وکارهای اینترنتی پناه آورده‌اند در صورت خلل در کسب‌وکارشان و برهم‌خوردن آرامش اقتصادی و ثباتشان آسیب دیده و این خود تبدیل به چالشی جدی خواهد شد.

نگارنده معتقد است این کانسپت و پدیده باید در خود آن تعریف و بررسی شود و آثار، ضعف‌ها و نکات مثبت آن شناسایی و به جهت تقویت جمهوریت و آزادی‌های مشروع برخلاف جبرگرایی، کنترل و منفی‌گرایی با مثبت‌گرایی و واقعیت‌پنداری با بالابردن سواد رسانه‌ای مردم آن را مدیریت کرد.

و اما در این میان سخنی با فراکسیون محیط‌زیستی که در دل همین مجلس است و این روزها حتی با وضعیت امروز هورالعظیم سکوت اختیار کرده! آیا این طرح به بازوی رسانه‌ای و مشارکت‌های مردمی محیط زیست خدشه‌ای ناگوار وارد نمی‌کند؟

تحلیل

گفت‌وگو با «حسن رفیعی»:

فراموشی چاره کار نیست!

سامان موحدی‌راد: بعد از قتل‌های تکان‌دهنده اکباتان با حسن رفیعی- روان‌پزشک و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم توان‌بخشی و سلامت اجتماعی- درباره ابعاد این ماجرا و تأثیرهایی که بر سلامت روان جامعه گذاشته، صحبت کردیم.

چندی‌پیش دیدیم که قتل‌های تکان‌دهنده‌ای در اکباتان رخ داد. قتل‌هایی که جامعه ایرانی را به شدت در شوک فرو برد و همه درباره آن صحبت می‌کردند. چیزی که درباره این قتل‌ها اما عجیب بود، نحوه پرداختن به آن بود. در بازه زمانی کوتاهی دیدیم که جزئیات فراوان و بسیار تکان‌دهنده‌ای درباره این قتل‌ها توسط رسانه‌ها منتشر شد که انتشار بسیاری از آنها شاید لازم هم نبوده. نظر شما درباره این مسئله و تبعات آن برای سلامت روان جامعه چیست؟

انتشار بی‌محابای اخبار و جزئیات این قتل‌ها از همان ابتدا با انتقاد متخصصان سلامت روانی-اجتماعی مواجه شد. به نظر می‌رسد در رسانه‌های ما سیاست درست و سنجیده‌ای برای نحوه پوشش این گونه اخبار وجود ندارد، همان‌طور که در مورد انتشار اخبار خودکشی هم درست عمل نمی‌شود و رسانه‌ها برای بردن گوی سبقت از رقبای‌شان به انتشار هر فیلم، خبر و جزئیاتی از این گونه حوادث دست می‌زنند. این نمونه و تجربه‌های مشابهی که هرازچندی با وقوع قتل‌ها و جنایت‌های تکان‌دهنده رخ می‌دهد، به نظر می‌رسد این ضرورت را یادآوری می‌کند که متخصصان سلامت روانی-اجتماعی باید در کنار متولیان رسانه‌ها شیوه‌نامه‌ها یا پروتکل‌هایی را برای نحوه انتشار اخبار خشونت تدوین کنند. البته می‌دانیم که مهم‌تر از این تدوین، تعهد به آن و آموزش‌دادن نیروهای دست‌اندرکار رسانه‌هاست. اینکه بعد از تدوین این پروتکل رسانه‌ها و کارکنان‌شان به اجرای آن متعهد باشند و بدانند عرصه رقابت رسانه‌ای جای انتشار هر خبری نیست و ممکن است دانستن بسیاری از جزئیات، تبعات بدی برای سلامت روان جامعه داشته باشد. به نظرم یکی از معدود مواردی که شکلی از ممیزی در آن لازم است، انتشار همین جزئیات فراوان اخبار خشونت و خودکشی است.

در همان مقطع دیدیم که در پس پرداختن شدید به این حادثه بسیاری از رسانه‌ها و حتی چهره‌های علمی یا دانشگاهی به نتیجه‌گیری‌های کلی‌ای درباره وضعیت جامعه ایرانی رسیده بودند. بسیار دیده شده که عده‌ای از عبارت «فروپاشی» برای جامعه ایرانی استفاده می‌کردند. این دست نتیجه‌گیری‌ها تا چه میزان درست بوده؟

یکی از عوارض انتشار نسنجیده اخبار خشونت و خودکشی همین است که تصویر معیوب و معوجی از جامعه در ذهن مخاطب ساخته می‌شود و تمام ذهن او را درگیر می‌کند و باعث می‌شود احساس کند همه جامعه پر از خشونت و کشت‌وکشتار است. وقتی در مدت کوتاهی رسانه‌ها به پمپاژ این گونه اخبار با جزئیات و آب‌وتاب فراوانی می‌پردازند که دانستنش هم برای کسی ضروری نیست، تمام فضای ذهنی مخاطبان از این تصاویر پر می‌شود و موجب نتیجه‌گیری‌ها و در واقع تعمیم‌های عجولانه‌ای در مورد کل جامعه می‌شود. کمااینکه دیدیم بعد از این فاجعه هم بسیاری به این نتیجه رسیدند که جامعه ایرانی جامعه خشونت‌زده‌ای است یا برخی گفتند که جامعه ایرانی دچار فروپاشی شده یا حرف‌هایی از این دست. اینها به نظرم یکی از تبعات این نحوه خبررسانی است. بالاخره جامعه ما همان جامعه‌ای است که هم قتل‌های اکباتان در آن رخ می‌دهد و هم شاهد پویش همدلانه کمک‌های مردمی در سیل بوده‌ایم، یا فداکاری کادر درمان را در فاجعه‌ای مثل کرونا دیدیم و بسیاری اتفاقات مثبت دیگر که از دل همین جامعه بیرون آمده. من منکر مشکلات جامعه‌ی ایران نیستم ولی به نظرم مثلا با یک مورد قتل‌های اکباتان نمی‌توان در موردش قضاوت کرد. چنین نتیجه‌ای احتیاج به بررسی‌های بیشتری دارد و باید متخصصان همه رویدادهای مثبت و منفی را در کنار هم قرار بدهند تا تصویر درستی از جامعه ارائه شود. از این‌رو یکی از نقدهای وارد بر این نوع خبررسانی شتابزده و بدون درنظرگرفتن اهمیت آن از نظر سلامت روانی-اجتماعی همین است که بلافاصله بعد از آن چنین نتایج معوج و اشتباه و بدون پشتوانه علمی هم گرفته می‌شود و در نتیجه علاوه بر شوک اولیه که جزئیات خبر به جامعه می‌دهد، بازتولید آن در قالب این گونه تحلیل‌های سطحی و هیجانی هم فشار بیشتری به سلامت روان مردم وارد می‌کند، بی‌آنکه دستاوردی داشته باشد.

چیزی که برای ما مهم است این است که چرا معمولا این دست وقایع در ایران در بازه زمانی کوتاهی و با شدت زیادی مورد توجه قرار می‌گیرد و بعد تلاش می‌شود به فراموشی سپرده شود؟ آن شدت زیاد توجه‌ها و این تلاش رسمی برای فراموشی آن چه تبعاتی دارد؟

بله. اشکال دیگری که این نوع پرداختن هیجانی به این رویدادها دارد، این است که بر اثر همین شوکی که به جامعه وارد می‌شود، احتمالا مسئولان امر به این فکر می‌افتند که سریع مشکل را رفع و رجوع کنند. این تلاش برای جمع‌کردن سریع پرونده موجب چندین و چند اشکال می‌شود. نخست اینکه چندان به ریشه‌یابی مشکل پرداخته نمی‌شود و علل زیربنایی خشونت به طور کلی، نه یک حادثه منفرد، به درستی واکاوی و برایش چاره‌اندیشی نمی‌شود و فقط همان پرونده جمع می‌شود. مطلب مهم دیگر عدم رعایت حقوق آدم‌های درگیر این ماجراست. در خلال همین اخبار جسته و گریخته‌ای که بعد از این حادثه منتشر شد، شنیدیم که خانواده قربانی دچار آسیب‌های جدی شدند. همچنین در نبود همان سیاست درست رسانه‌ای برای پرداختن به این دست اخبار دیدیم که متهمان با اسم و رسم حقیقی و اطلاعات فراوان و گاه نادرست از زندگی خصوصی‌شان جلوی دوربین رسانه‌ها قرار گرفتند بی‌آنکه حقوق آنها رعایت شود. همین فضای مغشوش باعث می‌شود تا افراد کارشناس که باید نقش اول را در علت‌یابی این دست حوادث داشته باشند، کنار زده شوند و عملا بررسی‌های کارشناسی حذف شود. تلاش متولیان امر در چنین التهاب‌هایی برای خواباندن موج آن هم موجب می‌شود تا این پدیده به درستی بررسی نشود. چراکه به نظر می‌رسد برخورد آنها با پدیده، واکنشی است و فقط به دنبال آرام‌کردن جامعه و کاهش التهاب آن هستند و در این راه ممکن است به خطا هم بروند.

در ایران تا چه میزان دست متخصصان برای بررسی ابعاد چنین پدیده‌هایی باز است؟

به نظرم راه درست در این دست مسائل این است که بدانیم فضا نباید چندان ملتهب شود. چراکه این التهاب در درجه اول به جامعه آسیب می‌زند و در درجه بعدی موجب می‌شود که این پدیده آنچنان که شایسته اهمیتش است، مورد بررسی قرار نگیرد. در واقع با وقوع چنین حوادثی باید متخصصان موضوع به این سؤال پاسخ دهند که چه چیزی منجر به وقوع این پدیده به طور خاص شد. کاری که اصطلاحا توضیح یا تبیین یا علت‌یابی نام دارد. یعنی از بین علل متعددی که در منابع ذکر شده، ببینند کدام در این مورد خاص درست‌تر است و صدق می‌کند و این مستلزم بررسی عمیق پرونده و مصاحبه با متهمان و اطرافیانشان و حتی مشاهدات میدانی از محیط زندگی آنهاست. اما مشکل اینجاست که این دست اتفاقات ابعاد حقوقی و در پی انتشار رسانه‌ای‌اش بعضا حتی ابعاد امنیتی پیدا می‌کند. همین توجه فراوان به این مسئله موجب می‌شود تا متولیان امر هم جلوی آن بایستند که لازم نیست کسی درخصوص آن کاوش کند و تلاش می‌کنند تا با صدور حکم سریع چنین پرونده‌هایی را ببندند. در نتیجه، مشکل موقتا و به ظاهر از نظرها دور می‌شود، بدون آنکه به درستی ریشه‌یابی شده باشد و آن ریشه‌ها قطع شده باشند. طبیعی است که مشکل دوباره به شکل دیگری از جای دیگری سر برآورد و چرخه خشونت همچنان ادامه پیدا کند.

زنان

مگر به خاطر شلوار جین

بی‌بی‌سی: شاید شنیدن این خبر در قرن ۲۱ عجیب باشد اما دختری در هند توسط بزرگان خانواده کشته شد برای اینکه دوست داشت شلوار جین بپوشد. اعضای خانواده «نها پسوان»، دختر ۱۷ساله را تا سر حد مرگ کتک زدند و در رودخانه انداختند تا غرق شود. این اتفاق در دهکده ساوریجی‌کارگ در ناحیه دیوریا، یکی از کم‌توسعه‌ترین مناطق این ایالت، رخ داده است. مادر نها هنوز باور نمی‌کند چرا این اتفاق افتاده و پدرش در سوگ دختری است که می‌خواست پلیس شود و حالا زیر خروارها خاک خوابیده است.

روزها

زنان و مشروطیت

خدایار سعیدوزیری . فعال مدنی

جنبش مشروطه وجوه فراوانی دارد که متأسفانه در بیشتر نوشته‌های تاریخی تنها به جنبه نهادین آن توجه شده است، به این معنا که اغلب مردم روایت مشروطه را این‌گونه شنیده‌اند که مردم برای تأسیس عدالتخانه قیام کرده و نهایتا نیز با تأسیس مجلس شورای ملی به پایان رسید.

درحالی‌که این روایتی اگر نگوییم غلط، حداقل روایتی ناقص از مشروطه‌خواهی ایرانی و تحدید آن به تأسیس یک یا چند نهاد حاکمیتی مانند مجلس است. درحالی‌که مشروطیت در حقیقت یک انقلاب فکری و حقوقی در میان ایرانیان از بزرگ‌ترین شهرها تا دورافتاده‌ترین روستاها را نمایندگی می‌کرد که گروه‌ها، صنوف و جریان‌های مختلف با پیگیری آن، حرکت به سمت آزادی و حکومت قانون را به‌جای نظام سلطانی دنبال می‌کردند. از جمله گروه‌های فعال در جریان مشروطه‌خواهی زنان بودند که در تمام مسیر مشروطه‌خواهی از عصر ناصری تا مظفری

در شکل‌دادن محافل روزنامه‌خوانی و بیان مطالبات تا جنبش‌های خیابانی و پس از آن از نبرد با نیروهای استبداد در تبریز تا فتح تهران و پایان‌دادن به استبداد صغیر محمدعلی‌شاهی، دوشادوش مردان به فعالیت و نبرد پرداختند. اما نقش زنان در این جنبش علاوه بر جنبه سیاسی، یک ویژگی و هدف خاص زنان را نیز دنبال می‌کرد و آن نه‌گفتن به سنت حذف زنان از جامعه مردسالار و برعهده‌گرفتن نقش‌های اجتماعی بود. زنان پس از پیروزی انقلاب مشروطه، چند درخواست سیاسی مطرح کردند: اول آنکه مجلس به تشکل‌های سیاسی آنان رسمیت ببخشد و دوم اینکه به آنان حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن داده شود. اما مجلس با هیچ‌یک از این دو خواسته موافقت نکرد.

در حقیقت می‌توان حضور زنان در جنبش مشروطه‌خواهی را نه فقط مقابله با نظام سیاسی سلطانی و تلاش برای حاکمیت قانون به‌عنوان یک مطالبه سیاسی، بلکه انقلابی برای شکستن ساختار سلطانی در جامعه و کوچک‌ترین واحد جامعه یعنی خانواده که در جامعه مردسالار، مرد همان نقش سلطان در جامعه را بازی می‌کرد، دانست که با مقاومت فرهنگ مردسالار حتی در میان مشروطه‌خواهان مواجه شد. اما به جرئت می‌توان گفت این تحرکات آغازی بود بر جنبش‌های حقوق زنان در ایران معاصر که شاید بتوان آن را الهام‌بخش و پیشگام جنبش‌های زنان در خاورمیانه تلقی کرد. هرچند زنان در نخستین تلاش خود برای گرفتن حقوقی که از مجلس برآمده از مشروطه مطالبه کردند با در بسته مجلس مواجه شدند اما این جنبش از حرکت نایستاد و با سال‌ها تلاش از تأسیس انجمن‌ها تا مدارس و گسترش آموزش زنان و انتشار نشریات و بیان مکرر و مصرانه مطالبات، نه‌تنها حق رأی و انتخاب‌شدن را اخذ کردند که بسیاری از حقوق قانونی دیگر نیز موضوع مطالبات زنان قرار گرفت و براساس‌این به‌طورکلی جنبش زنان را نمی‌توان حرکتی دفعتا واحده، یکباره و غرب‌گرا تلقی کرد بلکه به‌عنوان جنبشی اصیل، ریشه در مشروطه‌خواهی ایرانی داشته و دارد و این به آن معناست که مشروطه‌خواهی در سال‌ها و دهه‌ها نه‌تنها از حرکت بازنایستاده است بلکه خود را در قالب مطالبات جدید و به‌روز، بازآفرینی کرده و به پیشروی خود ادامه داده است.

اتفاق

فارس: «جعفر دانیالی‌بروجردی» عکاس روزنامه اطلاعات که روز فرار شاه را عکاسی کرد، بر اثر کرونا در ۸۸سالگی درگذشت. او جزء معدود عکاسانی است که از سنگ مزار خودش نیز عکاسی کرده است. او برای خودش قبری در قطعه ۳۱۲ خریداری و رزرو کرده بود و عکسی هم از خودش بر سر مزار خویش داشت.

ایسنا: دقایقی پس از بامداد سه‌شنبه دوازدهم مردادماه خبر درگذشت ارشا اقدسی منتشر شد؛ اما یکی از دوستان نزدیک او با تکذیب این خبر از بررسی پرونده‌اش از سوی یک تیم پزشکی ایرانی خبر داد. ارشا اقدسی چند روز قبل در حین کار در بیروت دچار سانحه و آسیب جدی مغزی شد. پزشکان اعلام کردند امید بازگشت ارشا اقدسی به زندگی، یک درصد است.

بیلد: هورست زهوفر، وزیر کشور آلمان، می‌گوید سیاست بازگرداندن پناه‌جویان مردودی یا بزهکار افغان با وجود قدرت‌گرفتن طالبان و جنگ در این کشور همچنان پابرجاست و به محض پایان‌گرفتن کرونا، تعداد اخراجی‌ها افزایش نیز خواهد یافت و تأکید کرد: «اگر چنین افرادی برگردانده نشوند، مسئولیت امر متوجه چه کسی خواهد بود؟».

لوموند: ژرالد دارمانن، وزیر کشور فرانسه، اعلام کرد که به منظور کنترل خشونت‌ها علیه زنان، بررسی شکایات مربوط به خشونت‌های زناشویی در اولویت قرار می‌گیرد و در هر اداره پلیس و هر پاسگاه ژاندارمری یک افسر متخصص خشونت تعیین می‌شود. البته این وزیر چندی پیش درگیر پرونده اتهام تجاوز جنسی بود که در دادگاه استیناف بود.

واشنگتن‌پست: اوباما با دعوت از ۵۰۰ نفر برای شرکت در تولد ۶۰سالگی خود، در عمارت ۱۲میلیون‌دلاری، پروتکل‌های مرکز ملی کنترل و پیشگیری از بیماری را زیر پا گذاشت. این در حالی است که کاخ سفید اعلام کرد با اینکه بیش از ۷۰ درصد از افراد بالغ در آمریکا دست‌کم یک دوز از واکسن ضدکرونا را تزریق کرده‌اند، نگرانی از اوج‌گیری دلتا کرونا وجود دارد.

نیویورک تایمز: ترامپ به دوران اوج بازگشته است. او با برنده‌شدن در دادگاه استیناف، مبلغ یک میلیون دلار از مالیات پرداختی‌اش برای آسمان‌خراش شیکاگو را پس می‌گیرد و همچنین توانست مبلغ صد میلیون دلار در مراسم جمع‌آوری اعانه برای انتخابات میان‌دوره‌ای برای حزب جمهوری‌خواه جذب کند.